

این کتاب در مکتب

س

بازرسی شد
۴۶ - ۴۷



۳۹۵۲

۱۵۸۷۸

۹۷۷۶

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مجموعه تصانیف معیار جمالی

مؤلف: ۲- ابن الحنفی حسن بن محمد الزاری

موضوع: تاریخ فلسفه

۴۳۴

۳۹۷۵

بازدید شد

۳۸۲



کتابخانه

۴۶

مکتب
۶۷۴
قبل

دستنویس
۷۰۲
قبل



نظری و فهرست شده
۲۴۸۶



[illegible]

فصل دوم

فکرت خرد و حکمت محمد را بدو در غرر شکست بخورد و در باب **فصل اول** در علم عروض و صنایع
برده و باب **باب اول** در حد و حقیقت شعر و بیان ای که کلام مضبوط شعر چه گویند **باب دوم**
در حد عروض و بیان اشتقاق و حقیقت آن **باب سیم** در شرح و حذف و حوکت و بیان موقوف
و مکتوب **باب چهارم** در بیان اسباب و ادوات که از اجزاء شعر گویند **باب پنجم** در حد و قطع و
بیان از کلمات که باقیست از اجزاء باشد **باب ششم** در بیان از حقیقت که شعر را بر وزن نظم
باب هفتم در بیان از وزن که بیست و یک از اجزاء است **باب هشتم** در شرح و کلام
زکب و بیان از اجزاء شعر **باب نهم** در بیان کلمات و وزن و بیان از اجزاء شعر
باب دهم در توضیح و کلام و وزن و بیان از اجزاء شعر **باب یازدهم** در حد و حقیقت
باب دوازدهم در حد و حقیقت شعر و بیان ای که کلام مضبوط شعر چه گویند **باب سیزدهم**
بالتوفیق عیون تحقیق که علوم و احادیث و از این است **باب چهاردهم** در حد و حقیقت
در از و است که فضل از ادبیات گویند **باب پانزدهم** در حد و حقیقت و این بر این است چنانکه
در حد و حقیقت و در حد و حقیقت **باب شانزدهم** در حد و حقیقت و این بر این است چنانکه
باب هجدهم در حد و حقیقت و این بر این است چنانکه **باب بیستم** در حد و حقیقت و این بر این است
علم است و این است **باب بیست و یکم** در حد و حقیقت و این بر این است **باب بیست و دوم** در حد و حقیقت و این بر این است

و شاعری است که در این علم حفظ و در بعضی مکاتب ششده این چهار علم که بعضی از
نقشبندی در علم عروض و علم نثر و علم بیان و علم کتب خیر این بنیاد معلوم شد **بک** مفر
در لغت بعضی دانند که لورک معانی است که در اصطلاح گفته اند که لغت
کلام موزون معنی مکرر است در لاف و در بعضی حکما در لغت گفته اند که کلام
خیر موزون با بقصد کلام گفته اند تا اثر از بسبب اشارت و دلالت و جلال و
گفته اند بیکه اثر از در محلات و موزون گفته اند بکست فرق میان نظم و نثر و معنی گفته
تا فرق باشد میان بحرین متقن و بحرین مختلف لاف و که هر یک جدا گانه به برق قیاس
و با قصد گفته اند بعضی از آیات فرایه و استیوار که موزون فرایه و در شعر است
و در بعضی دران موزون است **مفر** معلوم مصلد و مفهوم فصل است که شرفین بر دیگر
حیوان سخن بگوید و در ادراک معقولات است و سخن که است بدین مکرر است بر در قسم است
منظوم و شعور سخن موزون را طبع خلق و قدر طبع قسم نوازند گفت این منظوم را
بغیر از آنکه که موزون غنای الله باشد که در لغت و در تفسیر و در هدایت بر نیر و خلق
باید بعضی از مفسرین گفته اند که هر دو طبع موزون است و باید که در مصلحت هر یک
هر دو داشته باشد و در تفسیر و در لغت سخن موزون و در تفسیر و در لغت هر دو مصلحت

بند

[illegible]

محمد بن عبد الوهاب

عبدالله بن محمد

صبر آید و میگویند که این صبر است و این صبر است

[illegible]

[illegible][illegible]

ارکان این ایره دار که روزی شش تنه شتران فخره ازین ایره که بر تخت میکرده است
 و قریب در آن یک مرغ و با شش تنه منقش بر آن است و در آن یک مرغ و با شش
 مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است

در این صورت این ایره است که در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است
 و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش
 مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است

فصلی است در آن که در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است

بسم الله و در قصه که در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است
 و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش
 مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است
 و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش
 مرغی که بر آن است و در آن یک مرغ و با شش مرغی که بر آن است

2000/17

و چون که درین کتب بیشتر درین علم دانش بسیار است و بر قدر لغت و در کتب
کتابها و همچنین بر کتب که در خود و مشهور و مندرک یکی از نظم در کتب آنرا برتر نامیده اند
گفته اند که برتر بخیر از این است و همچنین بر آن در روز جنگ که است که نام است
مفصل است شرح معارف و شجاعت خود درین کتب که ادا می نمایند و آنرا از درین است
محقق است که گفته اند از موسوم به کتب برتر گفته اند و مشهور است که برتر میگویند
در کتب و است که برتر است و در کتب آن که برتر میگویند و از آن کتب

روز

14

卷之五

در روز و خوشتر از این است که بگویند اسمان را هر چند که در آن روز
کجا باشد قوه جوی به پیش از شرف آمدن خود در کنار درخت کجای طفل
دست و روان کرد و زدم ذوال دست به پیش از آمدن ملک سید و سبک است
از پیشتر و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
هر از شب اندر جلال و باده است در آن روز که در آن روز که در آن روز
از پیشتر و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
نیان و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
از روزی که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
فرموده که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
طریقی که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
هر صبح و شام که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
افراد و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز

از پیشتر

از پیشتر و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
ت کرد که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
انفاق و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
چون که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
موشح الطین که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
دست و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
ملک سید و سبک است در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
بزرگ ملک و دست و کجای خوشتر از این است که بگویند در آن روز که در آن روز
جناب جلال و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
هر روز و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
شأن و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
شأن و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز
شأن و در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز که در آن روز

[illegible][illegible]

محمد بن
عبد الله

عبد الله بن عبد الرحمن

۱۰

[illegible]

1/6
5
4
3
2
1



معدودا قیامت کبریا که در سبزه حضرت و در ملک زینب و قدس کرمین از برترت کمال
و ملک سبزه در رحمت حق که در آن در حرمت و نور حق است و در ملک سبزه در حرمت
عبد خدا و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک سبزه در حرمت
حضرت کرمین از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
و عقیق این یک در بر یک است و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
حکیم از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
فخانت کرمین از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
و عقیق این یک در بر یک است و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک

سعد از آن بود که در سبزه حضرت و در ملک زینب و قدس کرمین از برترت کمال
و ملک سبزه در رحمت حق که در آن در حرمت و نور حق است و در ملک سبزه در حرمت
عبد خدا و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک سبزه در حرمت
حضرت کرمین از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
و عقیق این یک در بر یک است و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
حکیم از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
فخانت کرمین از برترت کمال و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک
و عقیق این یک در بر یک است و در ملک سبزه در حرمت و نور حق است و در ملک

21

[illegible]

430

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

الحمد لله الذي جعل
العلم نوراً والدين
هدى والجنة داراً

1/2

[illegible]

صحبہ علوان حبیبی

[illegible][illegible]

[illegible]

12

[illegible]

[illegible]

ایک

کتابخانه

[illegible]

[illegible]

217

[illegible]

در پنج رشته نفس در راه مرگ و راه او را که یک شمشیر بر کوه نشسته است چنانکه در **نهم** گفته است
بشن آید آید آن خانه بهر خانه که سوره کوثر بخواند و هر یک پنج بار بخواند آن خانه را
از آنکه حیات بپوشد و در وقت چنانکه **نهم** چه قدر بر این قیامت نشانه ها را بشناسد
و این پنج شمشیر در پنج شب که بخواند **نهم** روز دهم در وقت که در هر روز سه بار
طهر و آب که در دست چپ و در دست راست بگفت بر آب بپاشد که از آن روز که هیچ
آباد است چنانکه **نهم** حاجت بر آید دست که در دست چپ و در دست راست بپاشد
سجده نماز **نهم** که در پیش بخواند که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
جامه تن که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
چشم دست و دل در سینه و دل که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
چنانکه طهر و آب که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
و در آنجا که آب از دهانت و دهانت بهر دست که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
از آنجا که آب که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
نهم دست که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد

بگوید

بگوید چنانکه **نهم** لب و دندان چون از یکدیگر جدا شود که که برین زار طوطی میخواند
و هر یک پنج بار در شب که بخواند چنانکه **نهم** که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
هر که بخواند که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
خداوند که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
بشود و در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
یا خیر و در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
است که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
نهم دست که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
چنانکه **نهم** از روز و در دل از آن وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
و در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
شما وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد
بگوید که در دست چپ و در دست راست بپاشد که در وقت که در دست چپ و در دست راست بپاشد

[illegible]

۱۲۱

[illegible]

لا اله الا الله حقا حقا
 لا اله الا الله ايمانا
 ونصديقا الا الله
 عبودية ورضا سجدة
 لك يا رب نتعبد ورضا
 لا مستنكفا ولا مستكبرا
 بل لنا خائف عبد ضعيف
 ظليل مستجيلا
 ظليل مستجيلا

بسم الله الرحمن الرحيم
 يس والقرآن الحكيم
 انك لمن المرسلين

لا اله الا الله

و به سفین
و به در دال و در حقیقت الله

مال

۱۱۱۱



و به سفین و به در دال و
حقیقت الله

للمتعلق من دال حقیقت الله

طالع

